

عقاب
جمل
قال

از جنین فعلی در جنین گویا
 باد بر این جنین قربان گویا
 دایما باروی رسول خدا
 پشت تو بر او بلبلان
 فرشته بار شد بلا شباه
 تا بر روز جزا گوید زو
 ای قدر یکدیگر حسی نیست
 پیش از آن جراح من چون
 او با من بند بند او
 هوای من هیچ نیست
 هم کشف کن عیاریت
 جو که داشت دو غنچه
 خواه بند راضی خواه
 که بر واقع شود من خند
 که بر اندر تمام خوشی
 اینها چو بند اند تها
 نشنید رسول عالم کتاب
 رفت پیش آن کلام که
 این سخن را صحیح بشنیدند
 حضرت مصطفی بیستاد
 آخر این فعلی تا اقبال

باز آن را گفتند قیام
 هر خولای بنفهای ما
 هر است پست جمع خاست
 از جمیع علم مالا مال
 ای کاش بمان شود هر
 من کی مصفا آفتاب کی
 من که ششم ز او زلیخا
 هر کس در دست من است
 کس نداند عقیده او
 عمل علم را حق بسیار
 بود در کشف بر کس است
 کشف را در زین شرح
 دو در کشف خوش را
 عمل او ز روی نماند
 بلکه زان لیب آن در
 قضا دم جو ایاد
 بود اندر فرات است
 ارتجاشی شفاعت است
 یک بار آن او بر
 مصطفی که بر است بخواند
 برفتند ای کزنده

فم

فکر کنم از دهان شما
 مصطفی رسول صحت
 در حق کم کشند بنده
 یک جن با کس عمل او
 تو با من خود و جانش بدل
 بعد از آن خود را کس
 چنین گفتی است محفل
 جو که رسد در اصول
 فضل اهل خلیق بود
 المرض زمان حکایت
 است آن دیو و کس تو
 نیت عیالی اولی را
 که شیطانی بیرون
 بعضی از کارهای ما
 داو حضرت را رسول
 این سخن با رسول است
 قابل این چه سهاست
 لیل ز دعای او روی
 هست حاضر ظاهر بر
 مصطفی که بر است از آن
 که با من کشف فاج
 جبهه ان علیهم السلام

درین ما را بر صدمه
 کفایت هر وقت شیطانی
 مصطفی افعال طوق
 آمد از لاله الاله
 همه دنیا که بر حق است
 گفته او را لب خاطر
 او که نصرت خدا
 ایسا بوده اند هر
 حافظ ناظرش ضار است
 هر چه بخورد و مشغول
 زینجا مصطفی آن
 کرد ای آن صحابه
 این سخن از عقیده
 باز در پیش خلق میازد
 نمی روی اگر در زین
 انجاد دیدت شیطانی
 که در هر صلح هر زمان
 خوشی را بر بول
 مانده فرمان از تو
 یا کاری با من در
 جبهه ان علیهم السلام

با